

امیر حاج رضایی
روزنامه نگار

یک انسان متشخص؛ مردی که در آستانه جام جهانی ۲۰۲۲ قطر به شدت فقدانش آزارمان می‌دهد و نبودنش می‌تواند بخشی از خاطرات فوتبالی ما را دوباره زنده کند. در مورد آقای دکتر حمیدرضا صدر صحبت می‌کنیم که یک سال و چند ماه است از ایشان دوریم. اجازه بدهید همین ابتدای کلام، به شباهتی اشاره کنم که بین او و نویسنده مورد علاقه‌ام، کامو می‌بینم. در تحلیل آقای صدر باید گفت شخصیتی چند وجهی که میراث خود را در هر زمینه به جای گذاشت. آقای صدر در حوزه‌های اجتماعی و اندیشه بسیار توانمند بود؛ با ادبیاتی منحصر به فرد که در زمینه فلسفه، نقد سینما و این اواخر فوتبال خرج کرد. آمدنش به عرصه فوتبال با تحلیل‌هایی ویژه، یک امتیاز ویژه و به عبارت بهتر، خوشبختی برای جامعه فوتبال بود. به تازگی کتابی را می‌خواندم که به ۳۴ سخنرانی کامو می‌پردازد که در طول سالیان عمر کوتاهش در مجامع مختلف داشت. مترجم این سخنرانی‌ها آلبرت کامو را در سخنرانی‌هایش، ناآرام تصویر می‌کند و البته نویسنده‌ای چیره دست. همین ویژگی‌ها را باید در مورد آقای صدر به کار برد.

یکی از کتاب‌هایی که به تازگی از آقای صدر خواندم، کتابی غیرفوتبالی بود تحت عنوان «همیشه برمی‌گردم»؛ کتابی است که به جستارها در باب سینما می‌پردازد و با آن قلم شیوا و نثر روان در آن حوزه به کنجکاو و کنشگری در باب سینما می‌پردازد. من از ته دل با نوشته‌های آقای صدر آشنا بودم بویژه سایه خیال در ماهنامه فیلم، همیشه به خود می‌گفتم یک شخصیت ارزنده پشت این قلم قرار دارد که در بقیه حوزه‌ها نیز توانمندی‌های خاص خود را دارد. از گوشه و کنار از همکاران شنیده بودم که عشقی زیر پوستی و گسترده نسبت به فوتبال دارد. بعدها که کم‌کم به او نزدیک شدم، متوجه شدم یکی از دلایل موفقیت دکتر، تسلط کامل ایشان به زبان انگلیسی بود و سفرهای زیادی که بویژه به شهرهای انگلیس داشت. همه می‌دانند مدرک معماری و شهرسازی را در انگلیس دریافت کرده بود و همواره در بازگشت از سفرها، با خود انبوهی از کتاب و مجله غالباً فوتبالی می‌آورد و «خوب‌هایش» را ترجمه می‌کرد تا به عاشقانی از جنس خودش خدمت کند. خیلی کم از نشریات آلمانی استفاده می‌کرد چون معتقد بود اشراف کامل به آن نقطه جغرافیایی و ادبیات و فرهنگش ندارد و شاید نتواند جان کلام را به مخاطبش منتقل کند. تمرکز روی فوتبال بریتانیا موجب شد با استادان تراز اول و مفسران فوتبال انگلیسی هم‌کلام بشود و آنچه که اندوخته بود بی‌دریغ به جامعه فوتبال ایران منتقل کند.

تا سرانجام ایشان به تلویزیون آمد و آنجا صفحه دیگری از تاریخ فوتبال ایران ورق خورد. همه شکل و فرم جدیدی را در تحلیل دیدند. با آن شور و دانش فوق‌العاده که هیچ‌گاه آن را در عمر ۶۵ ساله‌اش به رخ کسی نکشید. هیچ‌گاه از این فرد حس برتری و خود بزرگی بینی ندیدم. آقای صدر اگر حریفی قابل در برابر خود می‌دید به یک پینگ‌پونگ کلامی تمایل داشت تا از این تبادل اطلاعات سیراب شود. طرف مقابل را وادار می‌کرد هر چه درونش هست را بیرون بریزد؛ اما در عین حال هیچ وقت برتری خود را به رخ طرف مقابل نمی‌کشید.

اولین بار ایشان را در برنامه‌ای که هر دو میهمانش بودیم، دیدم. همان‌جا به دکتر گفتم اتفاق خجسته‌ای افتاده است که او به جمع فوتبالی‌ها اضافه شده است. رفته رفته این آشنایی قوت گرفت و به دیدار با خانواده دوست

کاملاً تحت تأثیر انسانیت و اخلاق والای ایشان بود. همواره آماده بود با نسل جوان ارتباط برقرار کرده و داشته‌های عظیمش را به علاقه‌مندان منتقل کند. هرگز و هرگز در قالب فردی که دانستن را فضیلت می‌دانست قرار نگرفت و همیشه در جست‌وجوی دانش جدید بود.

همواره در گفت‌وگوهای ورزشی می‌گفت طرفدار تیم‌های ضعیف است و این نگاهی کاملاً انسانی بود. اگر اغراق نکنم و از عبارت رنسانس استفاده نکنم، باید بگویم ایشان تغییر و تحولی بسیار زیاد در تحلیل‌های فوتبالی ایجاد کرد و دلیلش هم گستردگی دانش ایشان و عظمت دایره واژگانشان بود که به او اجازه می‌داد خیلی سریع از حوزه و موضوعی به حوزه و موضوعی دیگر برود و در همه زمینه‌ها گفت‌وگو کند.

تلفیق فلسفه، هنر، فوتبال، سینما و موسیقی از دکتر صدر چهره‌های کاملاً

داشتنی ایشان تبدیل شد، تقریباً هر دو در یک محل بودیم. وقتی برای اولین بار به منزلشان در قیطریه رفتیم، آرشیو فیلم‌های سینمایی و فیلم‌های ورزشی و همین‌طور کتاب‌های فراوان او را دیدم. این شخص واقعاً با انرژی فراوانش در حوزه اندیشه غرق شده بود. همان شخصیت شیفته و شوریده‌ای که در تلویزیون می‌دیدیم، در زندگی واقعی او وجود داشت. با همان حرکت دست‌های معروف و همان عطش و اشتیاق به فوتبال. بعضی وقت‌ها ما را غافلگیر می‌کرد. زمانی که تلویزیون بازی تیم‌های کم‌نام و نشان انگلیس را پخش می‌کرد و او جزئی‌ترین اطلاعات بازیکنان را داشت؛ در حالی که بسیاری از فوتبالیست‌ها شاید با نام آن بازیکنان هم به زحمت آشنا بودند.

صدر شخصیتی بسیار دوست‌داشتنی بود. آنچه که در مورد دانش و گستره اطلاعات ایشان به طور خلاصه گفتم

دریغ که در این جام جهانی حضور نداری

